



**محمد سمرادی** معروف به شاه‌میرزا نوازنده سربا و از چهره‌های سرشناس موسیقی لرستان بود. وی با اجرای کنسرت‌های متعدد در ایران و دیگر کشورها همچون انگلستان، فرانسه، آلمان، بلژیک و اتریش موفقیت‌های بسیاری به‌دست آورد. شاه‌میرزا با شرکت در اولین جشنواره موسیقی فجر توانست مقام اول و دبیرام افتخار ویژه نام داشت و در ادامه عنوان‌های دیگری همچون موسیقی اقوام ایران، موسیقی عشیره ایرانی، موسیقی مقامی و... نام گرفت و همه این‌ها عنوان‌های بسیار ارزشمندی است. شاه‌میرزا با همکاری و همکاری با دیگر نوازندگان و نوازندگان ایرانی در سال ۱۳۷۰ با شرکت در جشنواره موسیقی آوینیون فرانسه، مقام اول سازهای بادی جهان را کسب کرد و به مروراید اقبانوس لقب گرفت و در سال ۱۳۷۲ بهترین نوازنده سازهای بادی دنیا در جشنواره سازهای دوزبانه شناخته شد.

موسیقی نواحی ایران، موسیقی ای است کهن یا قدمتی چندین هزارساله؛ اما این گونه موسیقی‌ای آنگونه که باید و شناخته‌شده این موسیقی است، نتوانسته‌دربین از نگاه شما این اتفاق به چه سبب است؟

مهدوی: بعد از انقلاب اسلامی، موسیقی اقوام ایران از توجه ویژه‌ای برخوردار شد. جالب است بدانید موسیقی فولکلور حدود ۸۰ سال پیش توسط صادق هدایت در نوشته‌های با زبان فرانسه آورده شده است. نکته دیگر اینکه دانشمند موسیقی استاد فوزیه مجد عنوان موسیقی نواحی را به درستی تبیین کرد که به‌عنوان صفت در کنار موسیقی شهری و دستگاهی جایگاه می‌یابد.

موسیقی نواحی دارای کج‌کمان است و گاه اصالت با برمی‌گرداند و در مواردی به زبان پارسی و دیساخت‌ها به کنه فن موسیقی رجوع دارد و حقیقت‌یابی و گزارشگری از انواع موسیقی در مناطق ایران است.

در دهه ۷۰ و در مرکز موسیقی حوزه هنری تالاراندیشه اتفاقات بزرگی درباره موسیقی اقوام ایران رقم خورد و به لحاظ اجرای صحنه‌ایی، پژوهش و مکتوبات محل رجوع شد و به دنبال آن، چهره‌های درخشانی در بخش انتخاب‌ها، دبیران، هیات علمی، بخش اجرا همچون محمد رضا درویشی، هوشنگ جاوید، جهانگیر نصری اشرفی، منصوره ثابت‌زاده، پروین بهمنی و دیگر افراد اهل فن پای کار آمدند و براین موسیقی صحنه گذاشتند و موسیقی نواحی ایران در تالار اندیشه نهادینه شد و اجراهای باشکوهی برگزار شد و سرآغازی برای الگوبرداری دیگر نهادها گردید تا آنجا که موسیقی نواحی ایران با نگاه جدی‌تری در جشنواره موسیقی فجر مطرح شد و سرآغازی برای ایجاد جشنواره موسیقی نواحی در کرمان و همچنین اعزام موسیقی دانان نواحی به خارج از ایران شد. در آن سال‌ها در دانشگاه موضوعاتی در رابطه با سازهای موسیقی اقوام مطرح شد و کارگاه‌های آموزشی بویژه در دانشگاه سوره در خصوص این موسیقی با مواد درسی آمیخته گردید و خوشبختانه تا به امروز شاهد اتفاقات خوبی در رابطه با موسیقی نواحی ایران هستیم. البته به لحاظ کمی و کیفی قابل بررسی است اما به اعتقاد من، از آنچه در قبل داشتیم چه در جشن هنر شیراز و موارد دیگر، عملکرد بهتری نسبت به این موسیقی صورت گرفته و متنوع‌تر و قوی‌تر و پژوهش‌ها گسترده‌تر شده است و امروز موسیقی نواحی ایران جشنواره‌های شانزده ساله دارد و مهم این است که حاکمیت به اهمیت موسیقی بی‌برده و این موسیقی را به رسمیت شناخته و هردولتی که بر سر کار می‌آید، موظف است به موسیقی ملی و یکی از زیرشاخه‌هایش یعنی نواحی اقوام اعتنا کند. موسیقی اقوام و نواحی ایران زیرساخت‌های موسیقی رسمی و ملی هر کشوری محسوب می‌شود. بخصوص موسیقی ردیف، دستگاهی و سنتستانی، حاجونی و غیره است.

اما اینکه چرا به جایگاه اصلی خود که انتظار می‌رود، قرار نگرفته است همچنان نیاز به زمان دارد. در یک برهه زمانی، نوازنده‌ها سازشان را زیر قبا پنهان می‌کردند تا دیده نشوند و فقط خواننده‌ها مطرح بودند. در دوران صفویه برخی موسیقیدانان رانده و با گذر زده شدند و فقط خواننده‌ها اجازه فعالیت داشتند چرا که در تفریح خدمت کردند. اما دوره معاصر ساز در دست هنرمندان قرار گرفت و برای رسیدن به اصل و اصالت نیاز است زیرساخت‌ها فراهم شود؛ منتهی کمی زمان بر است. باید در تکلیف می‌کنم موسیقی نواحی ایران به درجرت بالایی رسیده، اما ایده‌آل ما پیش از این حرف‌هاست و نیاز به توجه بیشتری دارد و می‌تواند دولت‌ها جدای از نگاه جشنواره‌ای حمایت‌های همه جانبه

مهدوی: همان‌طور که اشاره شد، موسیقی نواحی ایران از بعد انقلاب، بسیار مورد توجه قرار گرفت. جالب است بدانید موسیقی فولکلور حدود ۸۰ سال پیش توسط صادق هدایت در نوشته‌های با زبان فرانسه آورده شده است. نکته دیگر اینکه دانشمند موسیقی استاد فوزیه مجد عنوان موسیقی نواحی را به درستی تبیین کرد که به‌عنوان صفت در کنار موسیقی شهری و دستگاهی جایگاه می‌یابد. موسیقی نواحی دارای کج‌کمان است و گاه اصالت با برمی‌گرداند و در مواردی به زبان پارسی و دیساخت‌ها به کنه فن موسیقی رجوع دارد و حقیقت‌یابی و گزارشگری از انواع موسیقی در مناطق ایران است. در دهه ۷۰ و در مرکز موسیقی حوزه هنری تالاراندیشه اتفاقات بزرگی درباره موسیقی اقوام ایران رقم خورد و به لحاظ اجرای صحنه‌ایی، پژوهش و مکتوبات محل رجوع شد و به دنبال آن، چهره‌های درخشانی در بخش انتخاب‌ها، دبیران، هیات علمی، بخش اجرا همچون محمد رضا درویشی، هوشنگ جاوید، جهانگیر نصری اشرفی، منصوره ثابت‌زاده، پروین بهمنی و دیگر افراد اهل فن پای کار آمدند و براین موسیقی صحنه گذاشتند و موسیقی نواحی ایران در تالار اندیشه نهادینه شد و اجراهای باشکوهی برگزار شد و سرآغازی برای الگوبرداری دیگر نهادها گردید تا آنجا که موسیقی نواحی ایران با نگاه جدی‌تری در جشنواره موسیقی فجر مطرح شد و سرآغازی برای ایجاد جشنواره موسیقی نواحی در کرمان و همچنین اعزام موسیقی دانان نواحی به خارج از ایران شد. در آن سال‌ها در دانشگاه موضوعاتی در رابطه با سازهای موسیقی اقوام مطرح شد و کارگاه‌های آموزشی بویژه در دانشگاه سوره در خصوص این موسیقی با مواد درسی آمیخته گردید و خوشبختانه تا به امروز شاهد اتفاقات خوبی در رابطه با موسیقی نواحی ایران هستیم. البته به لحاظ کمی و کیفی قابل بررسی است اما به اعتقاد من، از آنچه در قبل داشتیم چه در جشن هنر شیراز و موارد دیگر، عملکرد بهتری نسبت به این موسیقی صورت گرفته و متنوع‌تر و قوی‌تر و پژوهش‌ها گسترده‌تر شده است و امروز موسیقی نواحی ایران جشنواره‌های شانزده ساله دارد و مهم این است که حاکمیت به اهمیت موسیقی بی‌برده و این موسیقی را به رسمیت شناخته و هردولتی که بر سر کار می‌آید، موظف است به موسیقی ملی و یکی از زیرشاخه‌هایش یعنی نواحی اقوام اعتنا کند.



**حسن زیرک**، خواننده ترانه‌های کردی بود. حسن زیرک با ضبط تعداد زیادی از آوازهای سنتی مردم کرد، سبب حفظ و نگهداری این آثار فرهنگی از گزند فراموشی شد. از او بیش از ۱۰ هزار ترانه و آواز به یادگار مانده است. موسیقی کردی ناحیه مکرران واقع در جنوب استان آذربایجان غربی، در میان کردها جایگاه ویژه‌ای دارد. با ظهور حسن زیرک، خزانه‌های از بهترین و دلرباترین ملودی‌های کردی خلق شد. موسیقی کردی در همه ابعاد با حسن زیرک به اوج رسید. حسن زیرک نفوذ فرهنگی مهمی نه تنها در کردها، بلکه در همسایگان فارس، ترک و لر زبان آنها نیز داشته است. زیرک به بخشی از هویت فرهنگی کرد تبدیل شده است.

می‌بینیم یک بیت خوان در کردستان واژه‌ای را به کار می‌برد که خود مردمان منطقه نشنیده‌اند و با ریشه‌یابی واژه متوجه می‌شوند این واژه نامشخص شده است و حافظان این واژگان همین هنرمندان پیشکسوت موسیقی نواحی بودند، اما از اواسط دهه ۸۰ این جریان دیگر ادامه پیدا نکرد و حضور این هنرمندان تنها به جشنواره موسیقی نواحی ایران خلاصه شد؛ جشنواره‌ای که تقریباً تمامی اساتید موسیقی در آن حضور نداشتند. خصوصاً خاندان‌های موسیقی نواحی ایران که سینه‌سببی را تا به امروز سینه به سینه صیانت کرده‌اند، اما اساتید در دورانی به سر می‌بریم که تداوم این خاندان‌ها در حال نسوختن شدن هستند به این دلیل که نسل امروز این خاندان‌ها به سبب کم‌لطفی و کم‌توجهی به پرورش، این مسیر را دنبال نکردند. انتقال و تداوم موسیقی نواحی در جشن‌ها و مراسم جشن و سرور مناطق موسیقی نواحی می‌افتد و در حال حاضر این اجراها بر اساس اصالت در جشن‌های عروسی کم‌رنگ شده است. مراسم و جشن‌هایی که محل معیشت و اجرای این هنرمندان بود اکنون جولانگاه سازندگان و نوازندگانی است که به آلات موسیقی غربی و الکترونیکی تربیت شنیداری و ذائقه موسیقی در مناطق را تغییر داده‌اند. ما در دوران گذر موسیقی مناطق به سر می‌بریم و مسأله تغییرات امری اجتناب‌ناپذیر است؛ متأسفانه در این بخش کار جدی‌تری صورت نگرفته است. موسیقی در هر دوران دچار تجدید شده است کما اینکه در موسیقی نواحی هم این موضوع دیده می‌شود، چرا که ذائقه تغییر کرده است، اما متأسفانه این تغییرات به درستی صورت نگرفته یعنی جریان‌سازی و الگوسازی برای اثر تجدید انجام نشده است. به‌طور مثال در مناطق دورافتاده‌ای چون سیستان یا لرستان، عیارهای بیشتری نیز در مراسم و جشن‌های خود از دی‌جی استفاده می‌کنند.

این درحالی است که ساز کزناست و از بین رفته، اما پرترتواری که می‌نوازند دستخوش تغییرات شده و فواصل تغییر کرده است. باید بگویم فضای مجازی همه چیز را تغییر داده، حتی امروزه چوپان‌های منطقه ما هم با کتر شده‌اند. بنابراین باید در موسیقی نواحی ایران جریان‌سازی ایجاد شود. کاری که ما در اکثر سترسازینه‌ها انجام دادیم و سازهای مختلف موسیقی اقوام را در این راستا قرار دادیم. به این دلیل که به لحاظ صدایی سازهای جدید زمان به وسایل مدیایی بود و نه گستردگی فضای مجازی.

در دهه ۷۰ یک اتفاق مهم در حوزه موسیقی نواحی رقم خورد و تا قبل از آن موسیقی نواحی ایران به عنوان یک موسیقی دست‌چند شناخته می‌شد و اساتید این حوزه که راوی فرهنگ شفاهی ایران هستند، چندان مورد توجه و تکریم قرار نگرفتند. در آن دوران، به همت حوزه هنری و انجمن موسیقی و پژوهشگران دلسوز و درایت پژوهشگر بزرگ محمدرضا درویشی جشنواره‌های مختلفی و همچون موسیقی حماسی، آیینی و آواز، هفت اورنگ، موسیقی زنان و بویژه جشنواره نواحی برگزار شد. این اتفاقات سبب شد توجهات جامعه هنری ایران به‌ویژه برخی از مسئولان به این موسیقی جلب شود و به اهمیت و اصالت آن پی ببرند، چرا که یک هنرمند موسیقی صرفاً راوی یک نغمه موسیقی نیست بلکه راوی بخشی از تاریخ و میراث ناملموس ایران است. موسیقی نواحی ایران، نوازندگان و پژوهشگران داخلی و خارجی هم به آن دسترسی داشته باشند. مانند آنچه که در مرکز حفظ و اشاعه

مهدوی: موسیقی نواحی و دیگر گونه‌های موسیقی مانند هر دیده‌ای مشکلاتی دارد که باید آن را بشناسیم و دسته‌بندی کنیم و درصد رفح آنها باشیم. همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردم، یکی از مهمترین آنها، مسأله آرشوی صوتی و تصویری است که شامل همه گونه‌های موسیقی می‌شود. به این دلیل که آرشوی موسیقی علاوه بر آسان‌تر کردن انتقال آموزش و پژوهش، هویت‌سازی را هم امکان‌پذیرتر می‌سازد و در حوزه مسائل مهم بین‌المللی مانند کمی رایت هم بسیار تأثیرگذار است. ما زمانی می‌توانیم در حوزه موسیقی، قانون کمی رایت را اجرا کنیم که به آرشوی جامع و کامل و علمی، صوتی و تصویری موسیقی دسترسی داشته باشیم و این مهم برعهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دیگر نهادهای دولتی است. به طور مثال صدا و سیما می‌تواند اجراهای خوب مجریان واقعی

## مهدوی:

موسیقی جشنواره‌ای

شانزده ساله دارد و مهم این است که حاکمیت

به اهمیت موسیقی پی

برده و این موسیقی را

به رسمیت شناخته و

هردولتی که بر سر کار می‌آید،

موظف است

به موسیقی زیرشاخه‌هایش

یعنی نواحی اقوام اعتنا

کند

مهدوی: همان‌طور که اشاره شد، موسیقی نواحی ایران از بعد انقلاب، بسیار مورد توجه قرار گرفت. جالب است بدانید موسیقی فولکلور حدود ۸۰ سال پیش توسط صادق هدایت در نوشته‌های با زبان فرانسه آورده شده است. نکته دیگر اینکه دانشمند موسیقی استاد فوزیه مجد عنوان موسیقی نواحی را به درستی تبیین کرد که به‌عنوان صفت در کنار موسیقی شهری و دستگاهی جایگاه می‌یابد.

موسیقی نواحی دارای کج‌کمان است و گاه اصالت با برمی‌گرداند و در مواردی به زبان پارسی و دیساخت‌ها به کنه فن موسیقی رجوع دارد و حقیقت‌یابی و گزارشگری از انواع موسیقی در مناطق ایران است.

در دهه ۷۰ و در مرکز موسیقی حوزه هنری تالاراندیشه اتفاقات بزرگی درباره موسیقی اقوام ایران رقم خورد و به لحاظ اجرای صحنه‌ایی، پژوهش و مکتوبات محل رجوع شد و به دنبال آن، چهره‌های درخشانی در بخش انتخاب‌ها، دبیران، هیات علمی، بخش اجرا همچون محمد رضا درویشی، هوشنگ جاوید، جهانگیر نصری اشرفی، منصوره ثابت‌زاده، پروین بهمنی و دیگر افراد اهل فن پای کار آمدند و براین موسیقی صحنه گذاشتند و موسیقی نواحی ایران در تالار اندیشه نهادینه شد و اجراهای باشکوهی برگزار شد و سرآغازی برای الگوبرداری دیگر نهادها گردید تا آنجا که موسیقی نواحی ایران با نگاه جدی‌تری در جشنواره موسیقی فجر مطرح شد و سرآغازی برای ایجاد جشنواره موسیقی نواحی در کرمان و همچنین اعزام موسیقی دانان نواحی به خارج از ایران شد. در آن سال‌ها در دانشگاه موضوعاتی در رابطه با سازهای موسیقی اقوام مطرح شد و کارگاه‌های آموزشی بویژه در دانشگاه سوره در خصوص این موسیقی با مواد درسی آمیخته گردید و خوشبختانه تا به امروز شاهد اتفاقات خوبی در رابطه با موسیقی نواحی ایران هستیم. البته به لحاظ کمی و کیفی قابل بررسی است اما به اعتقاد من، از آنچه در قبل داشتیم چه در جشن هنر شیراز و موارد دیگر، عملکرد بهتری نسبت به این موسیقی صورت گرفته و متنوع‌تر و قوی‌تر و پژوهش‌ها گسترده‌تر شده است و امروز موسیقی نواحی ایران جشنواره‌های شانزده ساله دارد و مهم این است که حاکمیت به اهمیت موسیقی بی‌برده و این موسیقی را به رسمیت شناخته و هردولتی که بر سر کار می‌آید، موظف است به موسیقی ملی و یکی از زیرشاخه‌هایش یعنی نواحی اقوام اعتنا کند.



**دین محمد زنگشاهی** معتبرترین نوازنده ساز سرود (غزگ یا قیچک) در سرحدزمین (شمال بلوچستان) و فرزند موسی زنگشاهی از نوازندگان ریاب است. او نای سازش را تا قساره آمریکا نیز به گوش هنردوستان رساند. او یکی از معدود هنرمندان موسیقی اقوام ایران است که با پیگیری و تلاشش توانست در حوزه موسیقی بلوچستان کتاب تألیف کند و بخش‌هایی از کارگان موسیقی خودش و اشعار مرتبط با صوت‌ها و ترانه‌های بلوچی را ثبت و ضبط کند. این نوازنده، خواننده و آهنگساز سرشناس موسیقی بلوچی در بیش از ۲۰ کشور جهان و ۱۵ جشنواره بین‌المللی اجرا کرده و بیش از صدها قطعه موسیقی بلوچی از استاد دین محمد زمک‌زهی در آرشیو رادیو و تلویزیون استان وجود دارد. دین محمد یکی از بهترین میراث‌داران موسیقی بلوچستان و بنیانگذار گروه‌های موسیقی مکران و شهباز قلندر بود.

## در میزگرد «ایران» با حضور رضا مهدوی، بهروز وجدانی و پیمان کسری

# زنگ خطر نواحی ایران به صدای

در میزگرد موسیقی جده بخشی جدی‌وار و رشد کرده گنجینه‌های گسترش نیافته زمین شده

اصالت با حضور آقایان بهروز وجدانی پژوهشگر موسیقی شیوه‌های آموزشی و ایجاد مکتب‌خانه، میحت اجرایی

موسیقی ملی ایران به سرپرستی دکتر داریوش صفوت و نورعلی خان برومند انجام گرفت. در آن دوران هر آنچه در خصوص موسیقی سنتی بود در اختیار تعدادی از دانشجویان موسیقی که امروزه از استادان موسیقی هستند، قرار گرفت و این آثار به درستی جمع‌آوری و بازنشانی شدند. لازم به ذکر است موسیقی بعد از انقلاب با فارغ التحصیلان مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ملی ایران ضمانت کردند و نباید به راحتی از نام بزرگانی چون لطفی، علیزاده، شجریان، کیانی، مشکاتیان، کامکار، نظری و... عبور کرد و اگر این اندیشه ادامه پیدا می‌کرد، می‌توانستیم آرشیو غنی از دیگر گونه‌های موسیقی را در دست داشته باشیم. به‌طور مثال از جشنواره بزرگی چون آوینیون فرانسه که بزرگان موسیقی نواحی به آن اعزام شدند، فیلمی موجود نیست. سال ۱۳۷۱ مرحوم علی بیانی از سوی وزارت ارشاد مأمور شد و بزرگان موسیقی نواحی را به این جشنواره آورد و سه نفر از استادان شاخص این حوزه همچون حاج قربان سلیمانی، شاه میرزا مرادی و شیرمحمد اسپندار جایزه ویژه و لقب‌های این جشنواره ۵۰ ساله را دریافت کردند.

بنده در مرکز موسیقی حوزه هنری تمام تلاشم این بود با همکاری سینمایی‌ها این منابع تصویری ارزشمند در اختیار شبکه مستند صدا و سیما قرار بگیرد و بخش‌های موسیقی نواحی این اتفاق شکل نگرفت و همچنان تلویزیون درگیر نشان ندادن سازهاست! متأسفانه موسیقی‌های ناب محلی کشورمان در رسانه ملی بخش نمی‌شود و جای آن را موسیقی‌های پاپ سینتی‌سازری گرفته و مخاطب جوان باور کرده که این امر در تربیت گوش شنونده مؤثر است. در واقع مقصر اصلی تغییرذائقه جامعه، صدا و سیماست. اگر رسانه ملی محصول درست موسیقی را به گوش مخاطب می‌رساند، مردم به سراغ ماهواره‌ها نمی‌رفتند و موسیقی را از آنجا نمی‌شنیدند. نکته دیگر اجراست که در این زمینه موسیقی نواحی ایران به لحاظ بصری و چه معرفی‌شود چرا که زندگی در موسیقی نواحی جریان دارد. ما در این زمینه به وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی و میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی پیشنهاد کردیم نرم‌افزاری به سازی که هم شهری است و هم

غنی در زمینه صوتی و تصویری ندارد. به‌طور مثال در حوزه بین‌الملل که به کنوانسیون ۲۰۰۳ یونسکو مربوط می‌شود و با عنوان پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس است تا به امروز ۲۴ پرونده به ثبت جهانی رسانده‌ایم که ۵ پرونده آن مربوط به موسیقی است. اولین پرونده‌ای که از ایران به یونسکو ارائه شد، ردیف‌های موسیقی ایرانی بود که سال ۲۰۰۹ به ثبت رسید. این نخستین پرونده ملی ما است که مجریان آن خانه موسیقی بودند. سال ۲۰۱۰ با پیشنهاد من، موسیقی بخشی‌های خراسان به ثبت رسید و در سال ۲۰۱۷ کمانچه ثبت ملی شد؛ سازی که هم شهری است و هم

غیرشهری و در مناطق مختلف ایران استفاده می‌شود. در سال ۲۰۱۹ دولتی راه به ثبت رساندیم که با موسیقی بخشی‌های خراسان هم در ارتباط بود. آخرین پرونده سال ۲۰۲۲ و با موضوع مهارت‌های ساختن و نواختن ساز عود بود که کشور سوریه به عنوان نماینده کشورهای عربی در این پرونده با ما شراکت داشت. مقصود من این است موسیقی یک هنر تک بعدی نیست که یک ساماندهی آن باشند، باید در این زمینه یک شورای ملی تشکیل شود. آقای بزرگ‌نیا با توجه به تجربه شهادت بخش اجرایی و همچنین پژوهش در زمینه موسیقی نواحی ایران، برای اینکه در این زمینه آرشوی غنی‌تری داشته باشیم چه پیشنهادی دارید؟ بزرگ‌نیا: بخشی از آرشوی موسیقی نواحی ایران در حوزه هنری، انجمن موسیقی و مؤسسه فرهنگی ماهر جمع‌آوری و منتشر شده است. این



و شناخته شده موسیقی نواحی را به‌صورت صوت و تصویر بخش کند که این امر در تربیت گوش شنونده مؤثر است. در واقع مقصر اصلی تغییرذائقه جامعه، صدا و سیماست. اگر رسانه ملی محصول درست موسیقی را به گوش مخاطب می‌رساند، مردم به سراغ ماهواره‌ها نمی‌رفتند و موسیقی را از آنجا نمی‌شنیدند. نکته دیگر اجراست که در این زمینه موسیقی نواحی ایران به لحاظ بصری و چه معرفی‌شود چرا که زندگی در موسیقی نواحی جریان دارد. ما در این زمینه به وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی و میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی پیشنهاد کردیم نرم‌افزاری به سازی که هم شهری است و هم

غنی در زمینه صوتی و تصویری ندارد. به‌طور مثال در حوزه بین‌الملل که به کنوانسیون ۲۰۰۳ یونسکو مربوط می‌شود و با عنوان پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس است تا به امروز ۲۴ پرونده به ثبت جهانی رسانده‌ایم که ۵ پرونده آن مربوط به موسیقی است. اولین پرونده‌ای که از ایران به یونسکو ارائه شد، ردیف‌های موسیقی ایرانی بود که سال ۲۰۰۹ به ثبت رسید. این نخستین پرونده ملی ما است که مجریان آن خانه موسیقی بودند. سال ۲۰۱۰ با پیشنهاد من، موسیقی بخشی‌های خراسان به ثبت رسید و در سال ۲۰۱۷ کمانچه ثبت ملی شد؛ سازی که هم شهری است و هم

غیرشهری و در مناطق مختلف ایران استفاده می‌شود. در سال ۲۰۱۹ دولتی راه به ثبت رساندیم که با موسیقی بخشی‌های خراسان هم در ارتباط بود. آخرین پرونده سال ۲۰۲۲ و با موضوع مهارت‌های ساختن و نواختن ساز عود بود که کشور سوریه به عنوان نماینده کشورهای عربی در این پرونده با ما شراکت داشت. مقصود من این است موسیقی یک هنر تک بعدی نیست که یک ساماندهی آن باشند، باید در این زمینه یک شورای ملی تشکیل شود. آقای بزرگ‌نیا با توجه به تجربه شهادت بخش اجرایی و همچنین پژوهش در زمینه موسیقی نواحی ایران، برای اینکه در این زمینه آرشوی غنی‌تری داشته باشیم چه پیشنهادی دارید؟ بزرگ‌نیا: بخشی از آرشوی موسیقی نواحی ایران در حوزه هنری، انجمن موسیقی و مؤسسه فرهنگی ماهر جمع‌آوری و منتشر شده است. این

موسیقی نواحی دارای کج‌کمان است و گاه اصالت با برمی‌گرداند و در مواردی به زبان پارسی و دیساخت‌ها به کنه فن موسیقی رجوع دارد و حقیقت‌یابی و گزارشگری از انواع موسیقی در مناطق ایران است.



موسیقی نواحی دارای کج‌کمان است و گاه اصالت با برمی‌گرداند و در مواردی به زبان پارسی و دیساخت‌ها به کنه فن موسیقی رجوع دارد و حقیقت‌یابی و گزارشگری از انواع موسیقی در مناطق ایران است.

در دهه ۷۰ و در مرکز موسیقی حوزه هنری تالاراندیشه اتفاقات بزرگی درباره موسیقی اقوام ایران رقم خورد و به لحاظ اجرای صحنه‌ایی، پژوهش و مکتوبات محل رجوع شد و به دنبال آن، چهره‌های درخشانی در بخش انتخاب‌ها، دبیران، هیات علمی، بخش اجرا همچون محمد رضا درویشی، هوشنگ جاوید، جهانگیر نصری اشرفی، منصوره ثابت‌زاده، پروین بهمنی و دیگر افراد اهل فن پای کار آمدند و براین موسیقی صحنه گذاشتند و موسیقی نواحی ایران در تالار اندیشه نهادینه شد و اجراهای باشکوهی برگزار شد و سرآغازی برای الگوبرداری دیگر نهادها گردید تا آنجا که موسیقی نواحی ایران با نگاه جدی‌تری در جشنواره موسیقی فجر مطرح شد و سرآغازی برای ایجاد جشنواره موسیقی نواحی در کرمان و همچنین اعزام موسیقی دانان نواحی به خارج از ایران شد. در آن سال‌ها در دانشگاه موضوعاتی در رابطه با سازهای موسیقی اقوام مطرح شد و کارگاه‌های آموزشی بویژه در دانشگاه سوره در خصوص این موسیقی با مواد درسی آمیخته گردید و خوشبختانه تا به امروز شاهد اتفاقات خوبی در رابطه با موسیقی نواحی ایران هستیم. البته به لحاظ کمی و کیفی قابل بررسی است اما به اعتقاد من، از آنچه در قبل داشتیم چه در جشن هنر شیراز و موارد دیگر، عملکرد بهتری نسبت به این موسیقی صورت گرفته و متنوع‌تر و قوی‌تر و پژوهش‌ها گسترده‌تر شده است و امروز موسیقی نواحی ایران جشنواره‌های شانزده ساله دارد و مهم این است که حاکمیت به اهمیت موسیقی بی‌برده و این موسیقی را به رسمیت شناخته و هردولتی که بر سر کار می‌آید، موظف است به موسیقی ملی و یکی از زیرشاخه‌هایش یعنی نواحی اقوام اعتنا کند.

مهدوی: همان‌طور که اشاره شد، موسیقی نواحی ایران از بعد انقلاب، بسیار مورد توجه قرار گرفت. جالب است بدانید موسیقی فولکلور حدود ۸۰ سال پیش توسط صادق هدایت در نوشته‌های با زبان فرانسه آورده شده است. نکته دیگر اینکه دانشمند موسیقی استاد فوزیه مجد عنوان موسیقی نواحی را به درستی تبیین کرد که به‌عنوان صفت در کنار موسیقی شهری و دستگاهی جایگاه می‌یابد.